

تهران - مشهد

نیمه از صفحه اول

بود منعچه به پیشنهاده است و مشمول همان نوع
اتفاق دارد و متفق کشته که عصای قوم طرفدار آن هستند و آنرا لازم مفید نشیخ داده اند.

و امامتله امروز ما خوشبختانه تقداد
بیست تقریباً بیست تحقیق است و قدیم این

از ایام یک کارگیری بعنی اصال راه آهن

تهران چهارم و انتشار استکان راه آهن

آن شهربانی است که دور روی پیش ایام کرمت

تاریخی بیداش راه آهن ایران را مه

مدانی که در راه ساعی فوق العاده

اطیعت کرد غیر شد و قرار گرفت که این

رئیس راه آهن اصل سراسر قاطع کشود

مخواسته ای اینها تا سالی میکه و کدری

جذک چهانکی و حواس خانعلوب دیگر

تالان او را فرست نداد که قدم در

این راه مفید عمل بر لون گیوری در چند رنگ و مدل

دراهم اخیر توجیه باین موضوع شد و

راجع اصل آهن میانه شیرین و میس

راه آهن سلطان مشهد عمل هم است

و اینکه می بینم که کارگیری این روز

از مرحله حرث کشته وارد مرحله عمل

کشته و قطاب مسافری و بازی تشاپور

آدمه است والش معمد م مثل خود ما

از این پیشرفت خشنود و دیدوار شده اند

چون نهاده ای از کارهای اینجا باقی نمایم می بینند

و حتم می کنند که عکس ساق هم کارها

حرف بر کشیده و داده اند و بازی تشاپور

قدم هایی که مسکن پاشد و رای اصلاح امور

قدمه ایانه می داشته می شود.

فرانک اصل راه آهن تهران مشهد

از هر نظر مسیارات جون خراسان می کن

از حسنه ای اینها تراسته و میانه شده هر

مر کرمت دارد و داده اند و بازی مانند شده

و پیوست و قالی و خشکبار خاره است

همه این اقلام مهم صادرات از شهر های

کوچک و بزرگ خراسان می شده اند و

از آنها بداخله کشیده و خارج توسعه

می شود. هلاوه مرقد مطهر حضرت

ثانی الله علیه السلام در شهر مشهد است

و چنانکه میدانیم تهرا خود را بر این بلکه

از کلی نقاط شیعه مذهب بخصوص از

عراق عرب سالانه هزاران زوار و مشهد

می بینند و گراینکه در ایران سه میوه

خانه هست که اولی خراسان و دومی

آذربایجان و سومی اصفهان می بینند

و اصل راه آهن تهران خراسان سی

مشهد زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات

علی خراسان چون مردم شوند هیئت

دشوار می شوند. هر چند می بینند

مخصوص از زندگانی داشتند از این مصروفات</

از اینجا و آنجا

اقتباس از مطبوعات و خبر کارهای خارجی

ایران

صد ها سال عمر

اینجاب مهدی مر آغوش کارمند بازنشست وزارت پست تلگراف و تلفن اسلو کشت کرده مکانیکی کارمند شعبه بازنشسته میشود زیرا اینها شفیع فعالیت و تلاش مینمایند که قبیل از عوید بازنشستکی میتوانند تلویخنیس از بازنشسته دهن از فرق طیکاری از احت و حسیان شده خود که میکنند.

وزیر نامه های امپر اورژان

دیگر سانسور نمیشود

ذاین تاچیندی میرسید مانع میگردید

بداری زاین میگردید قبل مطبوعات که

بنظرش لریمه و نوشته شده ناشد

خود امیر امور مایل بود تمام روز نامه ها

را از نظر بگذراند و باشدلا مخالفین

بیشتر واردند، به جای اخیر این

سانسور داشته شده و امیر امور با خیال

راحت تمام روز نامه هار امطاله می نماید.

ترس از طاسی

از چندین قبیل موهای سرمانون در اندو

هر یکی معروف هریزند و بداجهت

مدقی است در اضطراب و شویس سرمیرد

زاین قبیل میگردید در آنچه خلی از زندگی

سالمازداج کردند، باید گفت این یعنی

ازدواج آهیست زیرا از سالگاه قبل که

باهم ازدواج کرده بودند درست پنچ بار

جدا شده و باز ازدواج کردند، بکی

هم این تکه جالب توجه است که آنها

کوکوک تویز و داران درینجین مناس

ازدواج نیز آنرا فراموش نمایند!

میریزند و هر روز بکقدم دشته طاسی

برهیداره

به حال دران چندروز دوت سوید

آن یکی خبری دارند و روی نامه های

اینکه یکنفر ڈاینی که از طرفداران

مالوں میانشده وی مراجعت و کفایت

اگر مخواهد موهای سرگان تریزداید

هر روز دشت پیکانه طبل و زیده

امن زاین گفته است در این طبل

خون شما بجزیان افاهه و خود خود

بیان های موده اقویت خواهد گردید

دشت باشید،

علوم نیست هر یشه معرفت مشغول

طوال شده، باده اند

دعوای زن و شوهر

پارس - مکی از مجلات نانوان

بنویسد که اخیراً یکی از کششها شمن

معوظه خوبی پیشنهاد کان گفته است:

یکی هم یخواسته سکون که

دران اوخر آمار طلاق افزوده شده است،

نظر هم زان و شهاری که میخواهند

خوشیت زندگی کنند بازدیده جند ورز

لائق بکبار دعوا و کشکایی گفته است،

این امر تنوی در زندگی گفته است،

آورد و پس از کشکایی بهم دیگر

محبت کرده درستجه شکر طلاق و جدای

نخواهند افتد.

مشتی برای سهم نفت عراق

عراق - یک شرکت اسپانیا اسوسی

جال توجه و بسایه انتشار داده و

فوایونها را پیاره از خلیل معرفت نموده است:

چشم چران ۴۲۳۴۵۰ - فر

عاشق آزادی ۳۰۱۸۷۴۵ - فر

باهاش و فرق ۲۳۱۱۴۵ - فر

جسور شجاع ۲۲۱۵۳۶ - فر

فال و کاردان ۲۰۳۸۳۶۵ - فر

میهن پرست ۱۳۱۳۷۵۰ - فر

مشخش و متفنگ ۱۵۱۵۶۴۰ - فر

۱۷ میلیون حیوان - انگلستان

طبق آمار صحیح و

است که در خانه های مردم انگلستان بالغ

۱۷ میلیون حیوان زندگی میکنند،

اکثران حیوانات اهلی شده و مرخی بیز

هون؛ وحش بوده و صاحبان آنها تیت

برای خود تمام سهم نفت عراق درسال

۱۹۵۷ سه شد، معلمین افغانستان

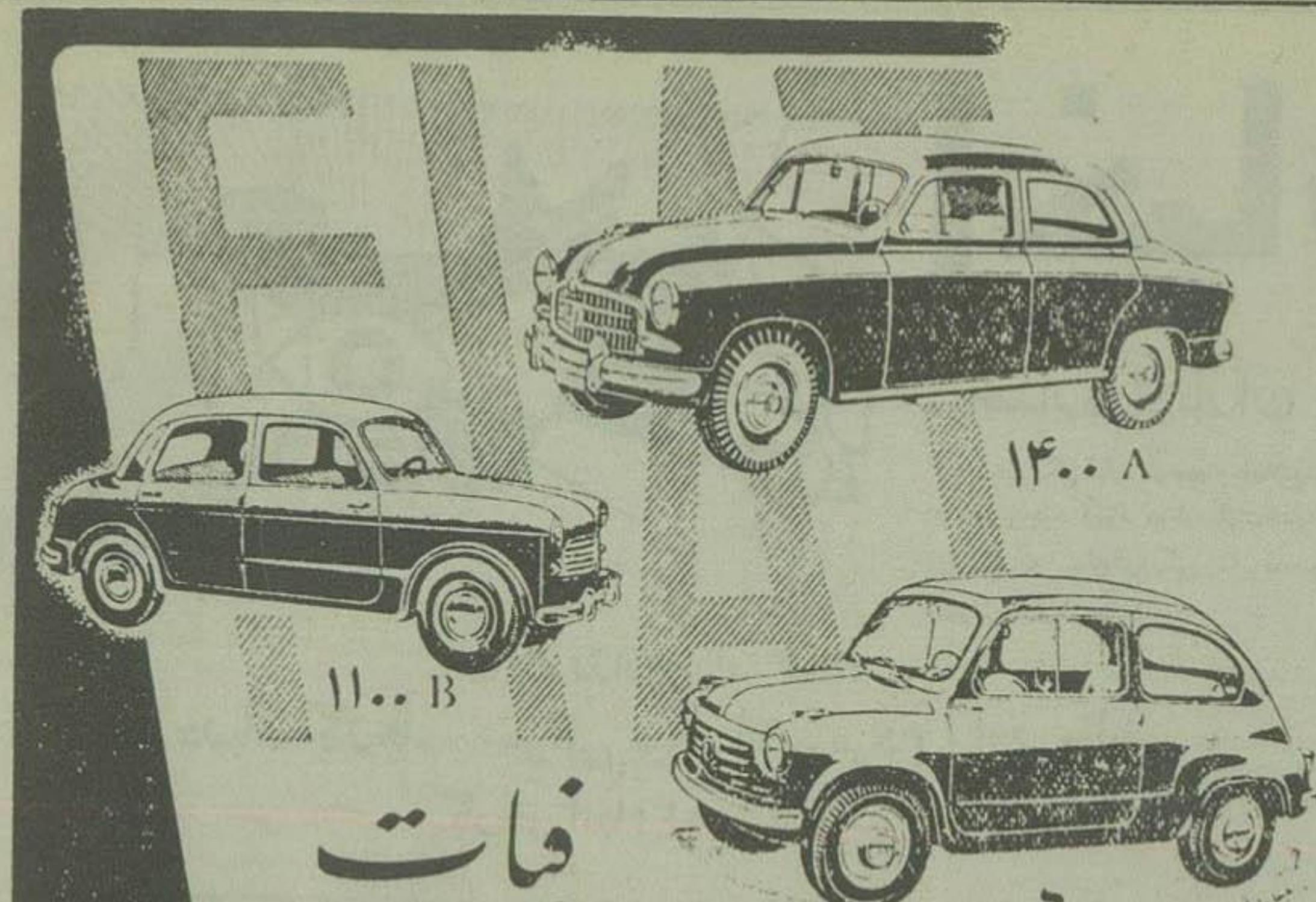
هم قابل توجه است که نیمیلیون از این

حیوانات ماهیانی است که صاحبانشان

اهلی گردیدند.

حضور شده تمام آنرا بداری نمایند.

کشته شدند.



فیات

۱۴۰۰A

۱۱۰۰B

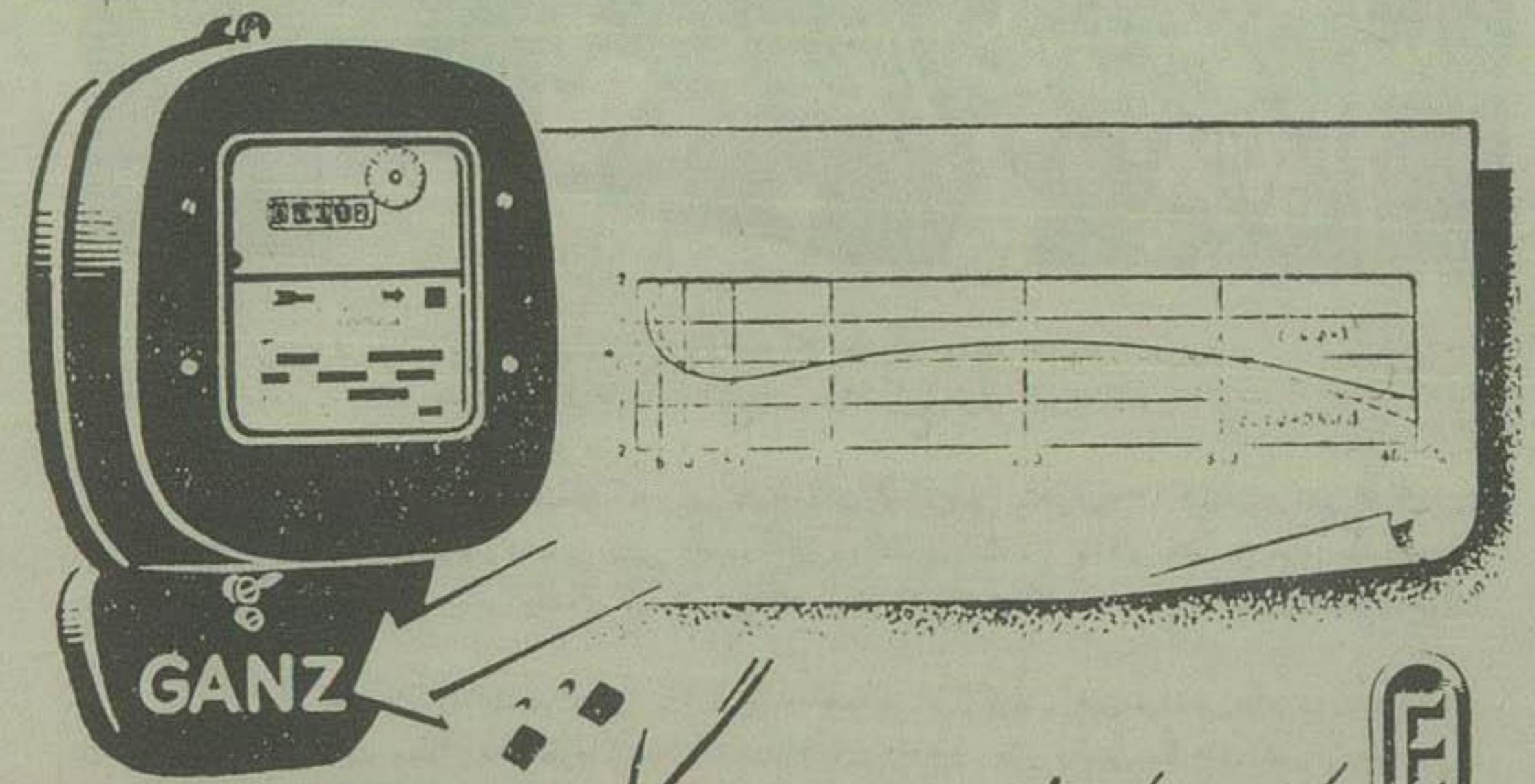
۱۱۰۰C

سفل میازدال ای تکنیک ایلی ساری فیات. شیک. ارزان. کم صرف. هجگون
برای دین و خرید: نایشکار فیات. میان سعدی مرجوف زند. تلفن ۲۸۶۳۷ - ۰۴۳۶۰.

۱۳۲۰A

۱۳۲۰B

۱۳۲۰C



GANZ
کنترلر های یک فاز سه فاز کارخانه
محارستان از ساخت وقت دکار و استحکام شهرت جهانی دارد
نماینده انحصاری: شرکت برادران ساسانی - تهران - خیابان ناصرخواست

۱۳۲۰A

۱۳۲۰B

۱۳۲۰C

- کچکترین شکل ندارم
من گوش، نافن را مرسجاش کنندم و از اینکه تنهایم احسان خوشبختی کردم در تمام
مدت حیث ضریب وحی ناپن شدت بمن و زد شده بود. خوانده این سطور میتواند بفهمد که چه مقدمه
وچه نقصها غرق این دنیا و مادر قبور بود.

در حالیکه درستم از این دنده با دندنه میقططیدم، نهاده و حشمت این خبر بیش از پیش در نظرم
میم بیشد.

دیگر روزهای سریع السر و سکین امریکانی و انگلیسی در اقیانوس آرام نهاده بود و فقط
هزاراند کان دار کان پیرول هاربور مانده بود که محبوبه داشتند مکالمه باز کردند. زاین باید ایشان
آرام یافرست حکومت میکردند و مدهمچا ضعیف و عربان در مقام ایشان استاده بودند.

در ساعت ۱۱ صبح، هنگامیکه قرار بود مجلس تشکیل شود من هارلمان رفتیم خیر را خود
من بنمایند کان دادم.

در خردهای بندی برای مجلس آورده بودم که لازمه بودم خود آنها را با طلاق نهادند کان رسالم
تلکرافی که از سکاکور و سیده حاکیست که برسی افسر و رهبر در حالیکه علی‌عینه ها که
ملاساً دارند و شده اند مشغول عملیات بودند غرق شده اند. مازجزیات امر جز آنچه را داده بودی
زاین اعلام میدارند اطلاعی، نذاریم و ظاهر اهد و ناورا مولیه هوابیما غرق کرده اند.

ناداده اتفاق کنم که در جلسه آینده مجلس، وضع جدیدی را که بیش آمده، چه بدر جهود

نشریخ خواهم کرد.

۰۰۰

برای اینکه من بنوام در روز ۱۱ دسامبر به آمریکا حر کت کنه مقدمات کار را مخنانه
فرام میکردن.

لودوشن ساعتی، که قبل از سفر وقت داشتم بسیار سکون بود، در روز ۱۱ دسامبر می باشیم در راه
وضع جدیدی کامل چندروز اخیر بیش آمده بود در مجلس نطق مشرووحی ایجاد کنم. فرد صحرای
ایشان که توجه آن معلوم نود و در هر حال اضطراری همی ایجاد نموده بود از این نظر ایشان همان
گردیده بود.

من این نکته را بینهان نمیکرم که باید منتظر ضربات مولک از اطراف زانی ها بششم. از طرف
پیروزی های روسها اشتباہ هیتلرها در حمله مشرق همه ثابت کرده بود وزستان هنوز کار خود را
آنطور که باید ایجاد نموده بود. ماقبل در جنگ زبردسانی پیروزی های پر کی بیست آورده بودند و لفاف
ماطوفه قابل ملاحظه ای که شده بود.

از اطراف دیگر وضع طوری شده بود که چهارینهم جمعیت زمین در اردوی ما مشغول نبودند
پیروزی نهاده بین بودمن در مجلس در همین زمانه صحبت کرد.

هنگام نطق اعراب آرام خود را حفظ کردم و از هر گونه دعوی پیروزی دفعی احتراز نموده و
لهم را مهمن از این دفعه دارم دادم:

نهاده بیش کنم و دهدی ای رای تثیت فوری و وضع بددهم. احتمال قوی میروند که ماده بود. شوم

خطاط جنک دوم جهانی

سپریها و میوه های شفابخش

نویسنده: لونس کاریه - ۵۶ - ترجمه: محمدی نراقی

جعفری غذای ضد سرطان است

جعفری

جعفری سرشار از ونیانم «آ»، مخصوصاً ث ، دارای آهن، آهک و
فقر است خاصیت مقوی، اشتها آور، محلل، مدر است و برای سینه بین
مقدی می باشد. تخم جعفری دارای APIOL میباشد و آبیول ماده در قوتی است که
خاصیت آن است که تبر و قاعده آور می باشد بعده فاعله های ماهانه را
منظم می کند.

همینطور دارای این خاصیت می باشد که خون را شدغوف و میباری روده ها

را غدغوفی کرده و اشاره ای بدن سرطان جاو کیری میباشد. همین جهت است که
باید جعفری را جزء غذای روزانه اشخاص کم خون و بایجه هایی که در مرشد میکنند
وارد کرد.

اگر در مصرف جعفری افزایش وزنی داشته باشد، جربان خون بدن را کند
خواهد کرد.

معرف شیره بری جعفری را بمقدار سه تا دو بسته کرم در بینهای متداول

تصویبه کرد.

اگر جعفری را خرد کنند و در شیر کرم بر میزد و سبع ناشتا بخورد برای

meal استه و تر لهاری بروی و گرفتگی صدا مقداست.

این شیره برای رفع ورد های سینه (بودالی) فایده دارد.

شیره برک جعفری را بمقدار سه ای بالک نود و با هفتاد درجه می توان

مخالوط کرده و در شیشه های درسته آنرا حفظ کرد و موقیعه کرد در اصحاب شروع

شد باید سر ایشان را در این مخلوط فرو کرده و به اینی که در مرشد میکند

برای دفع کرم های ریز و دوده های مادیک کرد (جنوی دوانکش) جعفری

خشک، بک کرد کرفس و یک کرد کل بنشتمرا جوشاید و سبع ناشتا آن

را توشید.

دم کرده چند شاخه جعفری برای مک فنجان آب نهاده اگر فکی صدارا

رفع میکند بلکه برای دل درد های فصل نیز میعده بیاند.

سویا ناجهیل کر جعفری خشک شد اگر با لایر آب بجوشاند و هر روز سه چهار

فنجان آنرا بخوردند خاصیت مدردار و ادار و رای باشد میکند.

اگر نیز میکند جعفری خشک شد اگر با لایر آب بجوشاند و هر روز سه چهار

کساییکه عادت نموده خواهد دارند و با مطالعه دامانت میباشد و

همیم کر فن اندیش اعادت نکو و هدیه ترک و خود را شفابخشند، نهی و مصرف این

نوشاید انسو سه میگذرد.

یزجه کرم جعفری را با کم بسته بر تسریخ و میکروست بر تقالی در بیک لیتر

آب بجوشاند تا محضی این نمایش شود و نیم لیتر دیگر آن بخار کرده بعد هر

اندیزه میگردند آنرا شیرین کنند و هر روز سیب یک قلچق قهوه خواری از آرا

صرف کنند.

برای جلو کیری از اعراض غنونی هم نهی و مصرف این نوشاید میگذرد.

شده است.

و گیاهی جعفری را اگر له کند آنرا بشکل شمام در روی خوش داد

تر خود را که همچو این دفعه که میگذرد همچو این دفعه که میگذرد

دو هزار دشید که میگذرد همچو این دفعه که میگذرد همچو این دفعه

آن جا و کری میکند.

شاده ای جعفری را اگر دوی سینه ویتان زان شیره که شیر آنها نمایند

آمدند کارند فرآ شیر آنها باز میگردند.

سیم شانه خود را ایلاند اخت و کفت:

نکته ایلاند اخت و سخنگه کرد که دندلکه ایلاند شهادت استهاده میگذرد

کیران احسان کرد کسوزن شد در دش بیدا شده و نیز فتش را

نمیشاند.

سوزاری دریشت سرخواه شد است ایلاند استهاده میگردند و بوسیله ایشان

نیز آلت دست خود میگذرد.

کیران ایلاند کفت:

هر کجا هنگامه این کلمه ایلاند استهاده میگردند و بیکن شیرل کوید شیر لحظه

چشم اش بر قزد و میس آرامش معمولی خود را پیدا کرد و بدون اینکه میباشد

بلند کند کفت:

البه شاهجهان عنوان آرام خواهد بود.

نه خواهش میگنم نام هرا از دفتر کارمندان آرام میگذرد.

کیران شاهجهان نهاده ایلاند کشت و کفت:

کیران شاهجهان بیکن شیرل کوید شیر لحظه

شیر خود را ایلاند اخت و سخنگه کرد که دندلکه ایلاند شهادت استهاده میگذرد

با آرام بیکن بر هم ترند. شیر ایلاند دوی میگردند و کفت و کفت:

اندا صور نکید که من نسبت بشما خشکین شدهام کارمه می بشما بیان

شده که ایلاند ایلاند هم میگذرد. تبیه این شده که آن زن بر شما پیروز شد و ایشان

باید میسرت عمل نکرد. تبیه این شده که آن زن بر شما پیروز شد و ایشان

بعد هر چهار که او خواست شما ایام دادید. آیا با آخره حقیقت را نفهمیدید؟

شما صور میگردید که او بوزاری هیچ چیز نکته است؟

میس شانه خود را ایلاند اخت و کفت:

نکته ایلاند اخت و سخنگه کرد که دندلکه ایلاند شهادت استهاده میگذرد

کیران ایلاند کشت و کفت:

کیران ایلاند کشت و کفت:

چند دیگر میگردند که آنکه شیرل های آرام کفت:

من لازم نمی بینم که مجده ایلاند کشت و کفت و دندلکه ایلاند شهادت استهاده میگذرد

قول داده اید متذکر شدم. آیا بین نکته را بخاطر دارید؟ اولین شرط و دوی بیان این

شما یابند شد رازیوشی و سرتکا هاداری بود.

دیزل در سر اسحاب بان

کتابخانه اطلاعات

نامه‌های خواندنگان

توجهی به حمام و کوره‌ها

بکلید

در خیابان صاحب‌جمع میدان شوش
کوچه کمرک حمام است که کذت‌هزار
از روز ۳۵ از طرف اهالی حشمتیه و خواجه
نظام‌المال تحت عنوان «پول را دادمان
و بانظار اقدام شهواری نشسته‌اند» درج
شده توضیح مده است:
خاندان ایشان طبیعت‌رسیده است و طبعاً مورد
قول اهل نظر می‌باشد.

بهای آستر و دستمزد دود و خت

کارمندان

جزء اداره مسٹر و تکراف

ناین شکنی دادند که اهالی محل های آستر

و دستمزد دختر لباس است

مجلسي

قابل توجه شهرداری

ساکن خانه انتها فراموش

فشاری مردم فرج آزاد ایران آورده است

صیغه که از خواه

از خوده های

کوچه ایشان

از خوده های

دستمزد

که از عمالجه

شان عاجز باشند شویه:

ستنه فرج آباد

نامه زندانی

فرج الله اسعیل زاده نهاد کارمند

بانکملی تمهیه آزاد کفادرلار مذاشکه

کاخ داد کشته توافق است

طبیعت اهالی

می‌توسد

که موقع بازچونی در زندان

شهریانی در اثر ضربه سلحشور

که از عمالجه

دراز های

چشم نایین

دیگر معموب شده است

بنان مینا

نشاشا

دارم یزدک

دوشک

و شمش

دیگر معموب شده است

شده فقط در اثر شکوهی اخیر نسبت به

نمطی یک طبله نام (باقر) اقدام

کردیه که اهالی از این عمل بی‌عادت

خوشند و افتخار امانت منشائید و انتظار

بوسخ ایشان

اطلاعات

سیده ایشان

آنها شدند

در دفعه ایشان

در سرمه

و ایشان

معاینه کند و هرچه زودتر

تفاوت

فرازهای

کارمندان

معاینه

که ایشان

می‌توانند

که ایشان

